



نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

عبرت‌ها و راهبردهای مقابله با «کرونا»

بیانیه تحلیلی نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

الف: نگرش کلان به بحران جهانی کرونا

کرونا گونه‌ای از همه‌گیری جهانی ویروسی مهلک و یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ بشر است که به طرز بی‌سابقه‌ای، بسیاری از مردمان جهان را به کام مرگ کشانده و بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی آموزشی در تمامی جهان را متوقف یا کند کرده است. امروز رهایی از «کرونا» هدف مشترک همه کشورها و ملت‌ها شده است، رویدادی نادر یا بی‌نظیر که می‌تواند زمینه‌ساز وحدت جهانی برای گذار مصلحانه و مسالمت‌آمیز از یکی از «بحران‌های بدون مرز» سراسر تاریخ محسوب شود!

بر اساس آمارهای رسمی در طول پنج ماه گذشته، حدود دوازده میلیون نفر در جهان به این بیماری مبتلا و قریب به ششصد هزار نفر قربانی و ده‌ها میلیون نفر بیکار شده‌اند و هزاران میلیارد دلار زیان اقتصادی به بارآمده است. فقدان چشم‌اندازی روشن برای مهار این بیماری، آن را به بحران کلان و عمیق «احساس ناامنی» تبدیل کرده است. این ویروس کوچک و ظاهراً حقیر، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، از جمله بزرگترین اقتصاد جهان را به زانو درآورده است. آمریکا با وجود برخورداری از قدرت عظیم علمی، اقتصادی و نظامی، امروز سخت‌ترین ضربات شکننده را بر پیکر خود تحمل می‌کند، ضرباتی که همچنان ادامه دارد. این کشور با قریب بیش از چهار میلیون مبتلا و آمار رسمی بیش از یکصد و چهل هزار قربانی و ده‌ها میلیون شهروند بیکار شده، در بحرانی گرفتار آمد که حتی در بعضی از کلان‌شهرها، در امور خاکسپاری بهداشتی قربانیان، با کمبودها و مشکلات جدی مواجه شد.

بسیاری از کشورهای قدرتمند و توسعه‌یافته اروپایی و آسیایی مانند انگلستان، فرانسه، روسیه و چین، کم و بیش با بحران‌های مشابه بحران آمریکا مواجه‌اند و علی‌رغم برخورداری از توانایی‌های عظیم اقتصادی و علمی، به نحوی دور از انتظار در برابر ویروس کرونا، ناکارآمدی و ضربه‌پذیری نشان داده‌اند. البته، نگاهی گذرا به منش رهبران سیاسی این کشورها حاکی از خصوصاتی مانند غرور و قدرت‌طلبی است؛ قدرتی که در مقابله با ویروس کوید ۱۹ سرافکننده و ناتوان است. در میان همین کشورها، آن‌هایی که از ساختار اجتماعی مردم‌گراتر و رهبران اخلاقی‌تری برخوردارند، مانند آلمان، نیوزلند و کانادا، عملکرد بهتری نشان داده‌اند. آلمان نه تنها در مدیریت بیماری و مهار آن بهتر از اغلب کشورهای توسعه‌یافته دیگر عمل کرد، بلکه قادر بود تا به کشورهای نیازمند همسایه مانند ایتالیا و اسپانیا که در برابر حمله کرونا سخت تحت فشار بودند، خدمات پزشکی قابل توجهی ارائه دهد.

۱. ابعاد جهانی بحران کرونا

تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی در عرصه‌های اجتماعی، علمی، اقتصادی، بهداشتی و ... از جمله بنیان‌ها و واقعیت‌های تلخ جهان امروز به شمار می‌روند. هر چند در این بحران تاریخی، شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ، دگرگون و بسیاری از آن‌ها اعلام ورشکستگی کرده‌اند و بسیاری از ثروتمندان و توانگران و دولتمردان نیز به این بیماری مبتلا شده‌اند و اگرچه این بار، «کرونا» به سیاستمداران و سرمایه‌داران جهان یادآور شد که بی‌عدالتی و تبعیض، همیشه قربانیان خود را به طبقات فقیر و تهیدستان، منحصر نمی‌کند و لزوماً نمی‌تواند فقط به نفع ثروتمندان باشد، اما قابل انکار نیست که در این وضعیت هم، حتی در کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی، ثروتمندان از شرایط و امکانات بیشتری برخوردارند و قربانیان اصلی این سونامی فراگیر، عموماً طبقات فرودست، کارگران، زحمت‌کشان و محرومانی بوده‌اند که از پس‌اندازی مکفی جهت رعایت اصول قرنطینه و متوقف کردن فعالیت‌های ناظر بر تامین معیشت بهره‌مند نبوده و نه تنها قادر به پرداخت هزینه‌های سنگین درمان نیستند، بلکه برای کسب روزی حداقلی و ادامه حیات، مجبور به حضور در کارخانه و اداره و مغازه و محیط‌های آلوده بوده‌اند. عموم قربانیان این پاندمی سهمگین در آفریقا، تنگ‌دستانی هستند که با فقر مطلق، گرسنگی، وحشت عمومی ناشی از ناپایداری‌های سیاسی و اجتماعی و عدم برخورداری از امکانات درمانی، نظام تامین اجتماعی و ضرورت‌های بهداشتی مواجه‌اند.

علل شیوع، میزان تاثیرگذاری و کیفیت مقابله با پدیده ویروس کرونا، تحت تاثیر نظام جهانی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی اثرگذار بر الگوهای «مصرف مسرفانه» و نیز، متاثر از نظام ناعادلانه، ناهماهنگ و نامنسجم همکاری‌های بین‌المللی قابل ارزیابی است. سازوکارهای حاکم بر نظام حکمرانی جهانی که منجر به توزیع ناعادلانه رفاه، علم و سلامت شده است، از جمله عوامل تخریب روزافزون محیط زیست،

دست‌اندازی به منابع طبیعت، نادیده گرفتن روند زیست متعادل و طبیعی حیوانات و گیاهان و افزایش سطح آلاینده‌های خاک و آب به شمار می‌رود که در نهایت، این وضعیت واقعی منجر به عدم موفقیت در مهار عموم بحران‌های جدی و ساختاری جهان شده و به طور خاص، مصداقی از ناتوانی و عدم مدیریت موفق ویروس کرونا قلمداد می‌شود.

بحران اخلاق، رویگردانی از خدا و شیوع جهت‌گیری‌های معنویت‌گريزانه در سراسر جهان، از دیگر زمینه‌ها و علل ابتلا به مصیبت‌های انسانی و زوال‌های تمدنی در عصر جدید محسوب می‌شود و محور اصلی گرایش‌هایی است که با حذف جایگاه و نفی کرامت انسان، «علم» را برای «علم» و «آزادی» را برای «آزادی» و «عدالت» را برای «عدالت» قرار داده است. در چنین وضعیتی است که موجود کوچکی در ابعاد نانومتری، نواقص دنیای مدرن و ناتوانی‌هایش را پیش چشم همگان آورده است.

در سایه این واقعیت خوفناک و تعریف تک‌بعدی از انسان و نیازهایش، به رغم فعالیت‌های گسترده دانشمندان و محافل معتبر علمی و آزمایشگاه‌های فوق مدرن سلولی و ژنتیکی، موید رشدی نامتوازن و غیرانسانی از علم شده‌اند و با غفلت و فراموشی از محوریت «رستگاری بشر» به مثابه «یگانه جانشین خدا بر زمین» کشفیات و اختراعاتی مهلک در زمینه شبیه‌سازی‌ها و دستکاری‌های ژنتیکی، تسلیحات بیولوژیکی و سلاح‌های کشتار جمعی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. بخش زیادی از بحران‌های ساختاری جهان و از جمله، بلای کوید ۱۹ در ادامه همین ساختار مهیب و غیرانسانی قابل ارزیابی است.

۲. ابعاد بحران کرونا در سطح ملی

به رغم عملکرد نسبتاً موفق جامعه پزشکی و کادر درمانی ایران در مقابله و درمان بیماری کرونا که تقریباً در تراز استانداردهای کشورهای توسعه‌یافته انجام پذیرفت، پیامدهای بحران یاد شده، عوامل فراگیری و ظرفیت مدیریتی مقابله با آن در ایران، از ابعادی متفاوت و متمایز از بسیاری نقاط جهان قابل ارزیابی است. علل ناکامی و زمینه‌های نسبی عدم موفقیت را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۲.۱. شیوع و ترویج باورهای خرافی و برداشت‌های عقل‌ستیزانه از دین که به ویژه در سالیان اخیر رواج بیشتری یافته است، سبب شد تا اخلاقی غیرعلمی در مسیر بهره‌گیری از دستاوردها و شیوه‌های پزشکی نوین رخ دهد و آسیب‌های جبران‌ناپذیر ناشی از تاخیر در ممانعت از تجمعات مردم در اماکن عمومی و زیارت‌گاه‌ها پدید آید. در این میان، نقش نهادهایی که با سوءاستفاده از امکانات و حمایت‌های وسیع ساختارهای حکومتی به خرافات مذهبی دامن می‌زنند، نباید فراموش شود.

اگرچه پس از مدتی، نهادهای حکومتی در محدودسازی حضورهای اجتماعی و مذهبی، راهکارهایی را به کار بردند اما با تقلیل نظارت‌های عمومی در مراحل بعدی، موج دوم خیزش کرونا در ایران به ویژه در

استان‌هایی مانند خوزستان پدید آمد که به شدت، تحت تاثیر پافشاری بر مناسک غیرضرور مذهبی و مراسم سنتی و غیراصیل «عزاداری‌ها» بوده است.

۲.۲. سرمایه اقتصادی ایران به دلیل فساد ساختاری و اتلاف منابع مالی ناشی از اتخاذ راهبردهای هزینه‌ساز سیاست خارجی که منجر به انزوای سیاسی و حیف و میل‌های اقتصادی در مدت زمان طولانی شده و به پایین‌ترین حد خود طی این چهل سال رسیده است و نیز موجودی سرمایه اجتماعی هم که به دلیل انباشت دروغ، پنهان‌کاری و مطالبات پاسخ داده نشده، در وضعیتی بحرانی به سر می‌برد، مانع ظهور کفایت لازم حاکمیت و نافی ظرفیت جامعه مدنی ایران در مقابله و مهار بحران کرونا شده است.

۲.۳. تضعیف نهادهای جامعه مدنی در طول چهار دهه گذشته از جمله عواملی به شمار می‌رود که مهار و مدیریت این بحران را با کمبود پشتوانه مردمی متکی بر «امید و اعتماد» و ظرفیت سازمان‌یافته اجتماعی رو به رو کرده است. سرمایه انسانی کشور، متأثر از رشد نرخ نارضایتی عمومی، مهاجرت مستمر و روزافزون میلیون‌ها شهروند نخبه ایرانی و نیز، عقب‌ماندگی و کیفیت و بهره‌وری پایین نظام آموزشی کشور، وضعیت اسفناکی دارد. سرمایه‌های نمادین ملی به خصوص نهادهای مدنی و شخصیت‌های سیاسی تراز اول هم به جهت تداوم فضای امنیتی و اعمال محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، عملاً کارایی خویش در بسیج افکار و اراده ملی در مقابله با بحران‌های عظیم را تا میزان زیادی از دست داده‌اند.

۲.۴. پیامد طبیعی تضعیف بنیان‌های شایسته‌سالاری، ابتلا به بحران کارآمدی و تقلیل متعمدانه ظرفیت‌های اصلاح‌طلبانه، جامعه ایران را از فرصت‌های بهره‌مندی از راه‌حل‌های اساسی و درون‌زا در مواجهه با بحران‌های کلان ساختاری محروم کرده است. ساختار حکمرانی موازی در ایران، تخریب نهادهای کارشناسی و سوء مدیریت در ارکان سازمان‌های «برنامه و بودجه» و «تامین اجتماعی» از جمله عواملی هستند که تاثیرات مضاعفی بر شیوع فساد ساختاری و ناکارآمدی مدیریتی کشور در رویارویی با هرگونه بلایای طبیعی و از جمله بحران کرونا داشته‌اند.

۲.۵. ساختار حقوقی قدرت از یک طرف، برآمده از رای مردم است و از سویی دیگر، ریشه در نهادهای انتصابی دارد که با اتکا به برخورداری از منابع قدرت و ثروت و حمایت‌های ویژه، نهادهای انتخابی را به شدت محدود کرده و تحت فشار قرار داده‌اند. برآیند چنین وضعیتی، ضعف فاحش شاخص‌های «حکمرانی خوب» همچون پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌پذیری و در نهایت، وصول به «کارآمدی» و «بهره‌وری» است.

تحت تاثیر نظام حکمرانی معیوب، اندک سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و نمادین نیز به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند یا از اثرگذاری محدودی برخوردارند که روز به روز، عیان‌تر می‌شود. عملکرد حکومت ایران در مواجهه با بحران اخیر، گرچه مشابه عملکرد آن در رویارویی با بسیاری از

بحران‌های چهل سال گذشته است، اما با توجه به شدت و ابعاد ویژه این بحران، موجب بروز تبعاتی فراتر از آن چیزی شد که در عمل می‌توانست رخ دهد .

۲.۶. آمادگی ناکافی برای مواجهه با کرونا، ساختار معیوب حکمرانی در ایران که در طول چهار دهه، دکترین امنیت ملی ایران را بر پایه امنیتی کردن جامعه استوار کرده، در عمل و در مسیر رویدادها و مناسبت‌های گوناگون نشان داده است که از توان کافی برای تامین امنیت مردم و مقابله با تهدیدات عظیم و حتی رویارویی و مدیریت بلایای طبیعی مانند زلزله و سیل و بازسازی خرابی‌های دوران جنگ برخوردار نیست. تردیدی نیست که بحران کرونا آخرین بحران این کشور نخواهد بود ، بنابراین پیش‌بینی می‌شود که در صورت ادامه روندهای جاری، حاکمیت ایران، هر بار که با بحرانی در تراز ملی مواجه شود، توان کمتری برای پایداری در برابر فشارهای آتی نشان خواهد داد .

۳. ابعاد فردی کرونا

«کرونا» اثرات عمیقی بر ساختار زیست فردی و الگوهای سبک زندگی گذاشته، زمینه کاهش ارتباطات عاطفی و تنزل شاخص‌های شادی، تفریح، هم‌اندیشی و رضایت را فراهم آورده و به رشد فزاینده خشونت‌های خانگی، انزوا، افسردگی، درون‌گرایی، خودخواهی، تک‌روی، ناامیدی و گسترش فضای خلوت و تنهایی‌های انسانی انجامیده است. کرونا به طور طبیعی، بشر را به اتخاذ راه‌حل‌های معطوف به خود و حیثاً به خصلت‌های توأم با مسئولیت‌گریزی و بی‌اعتمادی، رهنمون ساخته است.

ب: فرصت‌های ناشی از بحران کرونا

پیش از آن که به ارایه راهبردها، راه‌کارها و راه‌حل‌های مهار کرونا در ابعاد گوناگون بپردازیم، جا دارد که وجوه این بیماری جهانی و تجربه‌ها و آموخته‌های بشر در مسیر مقابله با آن را مدنظر قرار دهیم. در برابر آسیب‌های جانی و مالی سنگین کرونا ، شاهد برخی دستاوردهای مثبت نیز بوده‌ایم. کاهش حجم تردد حمل و نقل عمومی و ترافیک شهری و در نتیجه، کاهش آلودگی هوا، به سلامت توأمان محیط زیست، انسان، حیات وحش و طراوت طبیعت کمک بزرگی کرد .

تجربه جهانی و ملی در جریان بحران کرونا نشان داد که بسیاری از امور و فعالیت‌ها، از طریق دورکاری و با به کارگیری فن‌آوری‌های اینترنتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی، به سادگی و با صرفه‌جویی در وقت و پول و به ویژه کاهش آلودگی هوا امکان‌پذیر است. فعالیت‌های آموزشی در تمام سطوح، طرح‌های مطالعاتی و پژوهشی، سفارشات، امور متنوع بانکی و... همگی به خوبی از این طریق قابل انجام‌اند و لزوماً در چنین زمینه‌هایی، نیازی به حضور فیزیکی وجود ندارد .

با وجود همه خسارات جانی و مالی و اندوه خانواده‌های بیشمار، این همه‌گیری نوظهور، با خبرها، تغییرات، تحولات و آثار مثبت انسانی نیز همراه بوده است. در ایران، فداکاری جامعه پزشکی، به ویژه در روزهای آغازین حمله کرونا و همبستگی مردم در یاری رساندن به بیماران و آسیب‌دیدگان این بیماری که حتی بارها در سخنان مقامات رسمی هم مورد تایید و قدردانی قرار گرفته است، حکایت از ظرفیت اخلاقی و توانمندی اجرایی جامعه مدنی برای تغییر و تحول و خدمت و نوع‌دوستی دارد. ورود و تلاش بی‌وقفه سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم دلسوز و خیرخواه به صحنه یاری‌رسانی و مدیریتی، ثمربخش بود و ایران را در شمار کشورهای نسبتاً موفق در مهار کرونا قرار داد.

پ: عبرت‌های کرونا

درس‌ها و عبرت‌های حاصل از ابتلای کرونا ارزشمندند، ولی هنوز پایانی بر این «بحران» متصور نیست و نمی‌توان پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و درس‌های حاصل از آن را پیش‌بینی کرد. عملکرد بسیار ضعیف دولت‌های راست‌گرای آمریکایی و اروپایی و تلفات جانی گسترده آن‌ها و در برابر آن، موفقیت بیشتر عملکرد دولت‌های با گرایش‌های عدالت‌خواه و مردم‌گرا و رهبران سیاسی اخلاق‌مدار، بر ضرورت ارزش‌های انسانی و مشارکت مردم، حاکمیت ملت‌ها بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی و الزامات رویکرد مردم‌گرایانه و مردم‌سالارانه از سوی حکومت‌ها می‌افزاید.

افزون بر ضرورت عام انسانی و اهمیت راهبردی عدالت اجتماعی در سراسر کره خاکی، در دهکده جهانی که کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، ناگزیر از مراودات و ارتباطات‌اند و نیز در حیطه‌های ملی که فقیر و غنی در کنار هم زندگی می‌کنند، خط‌کشی مطلق برای حفظ سلامت و امنیت بهره‌مندان از ثروت و قدرت وجود ندارد. بنابراین، اگر طبقات فرودست و متوسط، از سطح آموزش، رفاه، امکانات بهداشتی و توان اقتصادی کافی برخوردار نباشند، نه تنها خود به شدت از پدیده‌هایی چون کرونا آسیب می‌بینند که کل جامعه را نیز در معرض خطرات و تهدیدات ناگزیر و مهارناشدنی قرار می‌دهند.

اگرچه پیش‌بینی می‌شود که یکی از ابعاد بحران کرونا که متاثر از کمک‌های مالی ضروری حکومت‌ها به بخش خصوصی است و برای حل و فصل معضلات ناشی از رکود و کاهش سطح تولید کارایی دارد، موجب رشد اقتدارگرایی و بروز مداخلات بیشتر دولت‌ها در امور مدیریتی نهادهای غیردولتی خواهد شد، اما توجه به این واقعیت که در صورت افزایش مداخلات راهبردی و مدیریتی دولت‌ها و تضعیف ظرفیت‌های نهادهای مردمی، در افق بلندمدت، ناکارآمدی دولت‌های اقتدارگرا ظهور پیدا خواهد کرد، چه بسا چنین اتفاقی نیافتد و ساختار بازسازنده دموکراسی، مانع تحقق چنین چرخه معیوبی شود. البته در خصوص کشورهای غیردموکراتیک، بعید به نظر نمی‌رسد که «کرونا» به افزایش فزاینده اقتدارگرایی مدد رساند.

پیوستگی جهان و فقدان همبستگی دولت‌ها در دهکده جهانی، احتمال گسترش سریع هر ابتلا یا مسئله محلی را به یک بحران جهانی (مانند گسترش ویروس کرونا از بازار ماهی‌فروشان «وهان» به سراسر دنیا در اندک زمانی کمتر از سه ماه) افزایش داده است. در نتیجه، ضرورت همکاری‌های بین‌المللی و ارتقای نقش نهادهای بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل متحد، بیش از گذشته، امری اساسی و بی‌بدیل به نظر می‌رسد و مهم‌تر از همه، نقش فردی و اخلاقی مردم و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی در یاری‌رسانی و کاهش رنج مردم آسیب‌دیده در بحران‌هاست که نباید مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد.

ت: راهبردهای پیشنهادی

با توجه به آن که احتمال بازگشت و یا امواج بعدی این ویروس و بیماری‌های مشابه و استمرار بحران‌های طبیعی و اجتماعی فراگیر دیگر، همچنان وجود دارد و با توجه به نقش و رابطه ناسالم انسان با طبیعت و به ویژه حیات وحش در گسترش جهانی ویروس کرونا، رعایت حقوق محیط زیست از سوی مردم، اصلاح نگرش‌ها و تصویب قوانین لازم در سطوح بین‌المللی و ملی، بیش از گذشته ضرور می‌نماید. بر همین اساس، نهضت آزادی ایران راهبردهای مورد نظر را به شرح زیر پیشنهاد و اعلام می‌دارد:

۱. در سطح بین‌المللی:

جمله‌ای منسوب به آلبرت اینشتین، فیزیک‌دان نامدار و اندیشمند بزرگ معاصر با این مضمون کلی نقل شده است که: «مسائل و مشکلات ناشی از یک نگرش خاص را نمی‌توانیم با همان نگرش حل کنیم» بنابراین، اصلاح نگرش‌های کلان و تغییر ساختار تصمیم‌سازی‌های سیاسی و اقتصادی چه در ابعاد ملی و چه در عرصه جهانی، پیش‌نیاز بدون جایگزین هرگونه راه‌حلی برای عبور سالم یا کم‌هزینه از بحران‌های کلان پیش‌روی بشر است. با توجه به جایگاه و نقش ویژه ایالات متحده آمریکا در مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان و یادآوری این مساله که دولت یاد شده، بسیار زودتر از ظهور کرونا، در مسیر ملی‌گرایی افراطی قدم برداشت و از روند تعاملات صلح‌آمیز جهانی و بسیاری از معاهدات و توافقات بین‌المللی خارج شد، به نظر می‌رسد که این دولت از آمادگی، برنامه و اراده‌ای برخوردار نیست که در این اوضاع دهشتناک، در رهنمون ساختن جهان به سوی بهبود و زیست انسانی، نقشی مثبت ایفا کند.

امید است که این عبرت، در دوران پساکرونا، انگیزه دریافتی دوراندیشانه برای بشریت و نظامات قدرت سیاسی و اقتصادی جهان فراهم آورد و آنان را به تامل و الزام به پذیرش تغییرات بنیادین در الگوهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و توسعه پایدار در سراسر جهان وا دارد. انتظار می‌رود که متاثر از تجربه تهدیدآمیز و عبرت‌آموز «کرونا» آگاهی‌های دور از هم و ظرفیت‌های پراکنده انسانی، با دغدغه زندگی در

جهانی قابل زیست و توأم با صلح، سلامت و کرامت بشر و با باور عمیق به ضرورت الگویی وحدت‌بخش و مبتنی بر ملاحظات انسان‌گرایانه، فرآیند اصلاح سبک زندگی و بهبود سازوکارهای تصمیم‌گیری جمعی جهانی را بر اساس «خیر همگانی» و از طریق گسترش زمینه‌های معنویت، اخلاق، فقرزدایی، رفع تبعیض و توسعه پایدار جهانی تقویت کنند.

سازوکارهای مهار بحران کرونا، جدای از اصلاح ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر نظام بین‌المللی و ساختار حاکمیت ملی کشورها نیست و باید مبتنی بر مشارکت همه کشورها و همه مردم جهان باشد و نابرابری‌های «قدرت» و «ثروت» سبب نشود که سهم برخی کشورها در تصمیمات ناظر بر اوضاع جهان بیش از سایرین باشد.

نظام سرمایه‌داری جهانی، چاره‌ای نخواهد داشت جز این که در راستای اصلاح اهداف سودمحورانه خویش و توزیع عادلانه منابع و امکانات در دنیای کنونی که به درستی آن را «دهکده جهانی» می‌نامند، تجدیدنظر اساسی کند و طرحی نو در اندازد. در همین راستا، سازمان ملل متحد بیش از گذشته می‌تواند پذیرای توانمندی بیشتر و نقشی بی‌بدیل در زمینه برقراری صلح، تحقق کرامت بشر و دفاع از طبیعت باشد و با تصویب مقررات لازم‌الاجرا و هم‌سو با اصلاح سیاست‌ها، بهبود قوانین ملی و ارتقای شرایط زیست انسانی در جهانی واحد گام‌های موثرتری بردارد.

۲. در سطح ملی (دولت)

نهضت آزادی ایران باور دارد که الگوهای اخلاقی، اعتقادی، فرهنگی، ماهیت نظام‌های سیاسی و اقتصادی، شیوه‌های حکمرانی، شاخص‌های توسعه‌یافتگی و سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی و نمادین، ارتقاءدهنده توان کشورها در مواجهه با این ویروس مهلک قلمداد می‌شوند.

برای جلوگیری از بازگشت به وضع گذشته یا بدتر از آن، دولت‌ها باید با آموزش درست مردم و سیاست‌گذاری‌های موثر و سرمایه‌گذاری‌های مناسب، گام‌های موثر و بلندی در راستای احیاء و سلامت محیط زیست بردارند. در صورت تاخیر در این کار، مانند مسامحه یا تأخیری که در برخی کشورها در ابتدای فرآیند مقابله با کرونا رخ داد و هزینه‌های جانی و مالی سنگینی را بر جامعه و طبقات محروم تحمیل کرد، بحران‌های بزرگ و مهارناپذیری پدید خواهند آمد که بحران‌های سیاسی و اقتصادی را نه تنها تشدید، بلکه آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. دولت‌ها با ایجاد زیرساخت‌های کافی و آموزش‌های لازم به دستگاه‌های اجرایی و به مردم برای انجام کارها از طریق اینترنت، می‌توانند تا حدود زیادی مسایل و بحران‌های ترافیک و حمل و نقل و آلودگی محیط زیست و حتی اقتصادی را رفع یا حل و فصل کنند.

نهضت آزادی ایران جهت مقابله با ویروس بنیان‌برافکن «کرونا» در ایران، تعهد به برنامه‌ها و اقدامات زیر را توصیه می‌کند:

۲.۱. کوتاه‌مدت

شفاف‌سازی آمار و اطلاعات مربوط به ابتلا و مرگ و میر ناشی از کرونا

استفاده از همه ظرفیت‌های مشروع ملی و بین‌المللی جهت مقابله با ویروس کرونا.

اجرای سیاست فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه تا رفع کامل بحران.

حمایت اقتصادی و اجتماعی از اقشار محروم و آسیب‌پذیر.

حمایت از نهادهای مدنی که در این زمینه، فعال و اثرگذارند و کمک به ارتقای نقش و جایگاه جامعه مدنی در مهار بحران‌های اجتماعی .

۲.۲. بلندمدت

اصلاح ساختار حقوقی قدرت به منظور تقویت حضور و مشارکت مردم در اداره کشور .

تقویت نهادهای مدنی.

ارتقای سرمایه اجتماعی.

اصلاح سیاست خارجی یک‌جانبه‌گرایانه و تلاش برای برون‌رفت از انزوای بین‌المللی و ارتقای ظرفیت بهره‌مندی ایران از امکانات نظام بین‌الملل به منظور تامین استقلال واقعی و عدم نیاز به ارتباط ویژه با دولت‌هایی مانند چین.

نهضت آزادی ایران یادآوری می‌کند که اگرچه ممکن است بحران کرونا مساله‌ای پزشکی تلقی شود و واجد ماهیت سیاسی و اجتماعی به نظر نرسد و نیز اگرچه جامعه ایران با بحران‌های عظیم و همه‌جانبه‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حتی اخلاقی رو به روست، اما در گام نخست، به نظر می‌رسد که راه‌حل اصلی مدیریت تمام این بحران‌ها «سیاسی» است .

۳. در سطح مردم و جامعه مدنی

«کرونا» به مردم جهان آموخت در صورتی که نیکوکاران در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد متشکل شوند، توان بالقوه آنان در مواقع نیاز و یا بحران به مراتب بهتر و بیشتر می‌تواند بروز یابد و چنین دریافتی، گامی موثر در جهت نزدیک شدن به جامعه مدنی توانمند خواهد بود. بنابر این تجربه ارزشمند و آگاهی‌بخش نسبت به ضرورت تشکیل سازمان‌های مردمی و نهادهای جامعه مدنی در مواجهه با بحران‌های ساختاری،

نه تنها موانع خاص در برابر تشکیل سازمان‌های یاد شده باید برطرف شوند، بلکه تشکیل آن‌ها باید تشویق شود و مورد حمایت رسمی و غیررسمی قرار گیرد.

نهضت آزادی ایران بنا بر آموزه‌های تجربه‌شده در بحران کرونا تاکید می‌کند که احزاب دموکراسی‌خواه و اصلاح‌طلب ایران در ارایه برنامه‌های اصلاحی خویش نباید به صرف بیان مشکلات اکتفا کنند و ضروری است که راه‌حل‌ها و راهکارهای مسئولانه‌ای را مطرح کنند که از یک سو ناظر بر فعالیت‌ها، عملکرد و مشارکت فعال این احزاب و از سوی دیگر، جامع تمام نیازها و ضرورت‌های اساسی و اولویت‌های اصلی جامعه ایران در چارچوب منافع ملی، تمامیت ارضی ایران، تقویت روند صلح خاورمیانه، احتراز از ماجراجویی‌های نظامی و تامین امنیت راستین و همه‌جانبه برای تمام شهروندان ایرانی باشند. مطالبه آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر در راس این خواسته‌ها و برنامه‌ها قرار دارند.

نهضت آزادی ایران به مردم ایران یادآوری می‌کند که با توجه به حجم گسترده بحران‌های پیچیده و ساختاری جامعه کنونی، انتظار هرگونه راه‌حل کوتاه مدت و فوری و منصرف از مشارکت عمومی و مردمی، غیرواقعی‌بینانه و به دور از ارزیابی‌های جامع و روش‌های موثر و کارآمد است. ماهیت این بحران‌ها به گونه‌ای است که هیچ دولتی به تنهایی، قادر به پاسخ‌گویی نخواهد بود. از این رو، مردم باید بدانند که «جامعه مدنی» در جهان امروز، یک «تشریفات» نیست و بلکه یک «ضرورت» به شمار می‌رود و بدون نقش‌آفرینی آن‌ها مقابله با ابربحران‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود و برای روش‌های حضور موثر در سازمان‌های مدنی باید اهمیت بیشتری قائل شوند و در این زمینه، اراده و عمل خویش را تقویت کنند.

نهضت آزادی ایران هشدار می‌دهد «کرونا» آخرین ابتلای طبیعی و بحران اجتماعی نیست که بر ساختار، ظرفیت‌ها و آینده مردم و کشورمان اثر خواهد گذاشت. بحران‌های آینده، با توجه به استهلاک منابع و روند تقلیل‌آمیز توان، اعتماد و امید مردم، پیامدهای منفی‌تری خواهند داشت. از این رو، ضرورت دارد که مسئولان کشور و مقامات ارشد سیاسی، دست به تصمیمات سخت و بنیادین زده و بپذیرند که راه‌حل «بحران‌های ساختاری» «اصلاح ساختارها» و سیاست‌های غیردموکراتیک، ناکارآمد و ناموفق و تقویت فرآیندهای منجر به تحقق حقوق اساسی، حاکمیت ملت و توان‌مندی جامعه مدنی ایران است، وگرنه آن گونه که روند شتابناک حوادث نشان می‌دهد، اگر به این نیازها و واقعیت‌ها نیندیشند، در روزگاری نه چندان دور، نه از «تاک» نشانی خواهد ماند و نه از «تاک‌نشان». «والعاقبه للمتقين»

نهضت آزادی ایران

۳۱ تیر ۱۳۹۹